

نشان می داد که بخش قابل توجهی از نیاز مخاطبان اصلی سینما، یعنی خانواده‌ها و علاقه‌مندان به آثار سرگرم‌کننده و پربیننده، نادیده گرفته شده است. در فقدان یک کمدی پر قدرت و جریان‌ساز، مخاطبانی که به‌طور سنتی در نوروز برای تماشای آثار مفرح به سینما می‌رفتند، با گزینه‌ای مناسب روبه‌رو نبودند. فیلم‌هایی نظیر «دایناسور» و «موسی کلیم‌الله» اگر چه در صدر جدول فروش قرار گرفتند، اما بیش از آن که نشان‌دهنده محبوبیت واقعی باشند، نتیجه تبلیغات سنگین، جلوه‌های بصری یا مضامین خاص خود بودند. استقبال نسبی از این آثار بیشتر از سوی مخاطبانی بود که به دنبال تجربه‌ای متفاوت بودند، نه الزاماً راضی از محتوای آن. همین مسئله باعث شد تا فیلم‌های صدر جدول با حجم بالایی از نقدهای منفی، به‌ویژه از سوی منتقدان و فعالان سینمایی مواجه شوند.

در عین حال، ترکیب آثار اکران شده نشان از نبود تعادل در سبد ژانری داشت. سینمای کودک تنها با یک انیمیشن («پسر دلفینی ۲») نمایندگی شد که اگر چه بخشی از مخاطب هدف خود را جذب کرد، اما به دلیل ضعف روایی و شخصیت پردازی، نتوانست تجربه‌ای ماندگار برای کودکان و خانواده‌ها رقم بزند. نوجوانان نیز در این فصل کاملاً نادیده گرفته شدند و هیچ فیلمی متناسب با دغدغه‌ها، هیجانات و زبان این نسل در جدول اکران وجود نداشت. علاوه بر این، در فضایی که مخاطب ایرانی بیش از هر زمان دیگری با مشکلات معیشتی و اجتماعی درگیر است، ارائه فیلم‌هایی با زبان رسمی، لحن سنگین یا روایات فرامیلتی، بدون پیوند عاطفی قوی، قسار به ایجاد ارتباط مؤثر نبود.

با این وجود، این فصل کاملاً خالی از نقاط قوت هم نبود. فیلم‌هایی چون «رها» و «کوکتل مولوتوف» با پرداختن به مسائلی چون مهاجرت، فقر، بی‌عدالتی و خشونت اجتماعی، توانستند نظر مخاطب جدی و منتقدان را جلب کنند و امیدهایی برای بازگشت سینمای اجتماعی معنادر به جریان اصلی زنده کردند. حضور کارگردانان جوان و بازیگران نسل جدید در این آثار، نشانه‌هایی از پوست‌اندازی در سینمای ایران بود. همچنین تلاش برای ارتقای فنی در برخی فیلم‌ها، به‌ویژه در حوزه انیمیشن و جلوه‌های ویژه، قابل توجه بود و نشان داد که ظرفیت‌های فنی این حوزه اگر با محتوای قوی همراه شود، می‌تواند به تولیدات رقابتی‌تر منجر گردد.

در مجموع، نوروز ۱۴۰۴ نمودی از وضعیت متناقض سینمای امروز ایران بود: از یک سو فروش عددی بالا و از سوی دیگر، نارضایتی گسترده مخاطبان و منتقدان، هم‌زمانی با ماه رمضان، افزایش قیمت بلیت، ضعف در چینش اکران، و فاصله گرفتن از سلیقه عمومی، از جمله دلایلی بود که موجب افت محسوس در میزان مخاطب نسبت به سال‌های گذشته شد. سینمای ایران در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در سیاست‌های تولید، تنوع‌بخشی به ژانرها، تقویت بدنه فیلم‌نامه‌نویسی و احترام واقعی به مخاطب است. در غیر این صورت، خطر از دست رفتن ارتباط بین سینما و جامعه، از یک پیش‌بینی صرف، به یک واقعیت نزدیک خواهد شد.



«رها» با وجود فضای آرام و دراماتیک خود، از جمله فیلم‌هایی است که به واسطه پرداخت صادقانه به مسائل درونی خانواده، نزد مخاطبان خاص و منتقدان با استقبال روبه‌رو شد. فیلم جایزه بهترین فیلم اول را دریافت کرد و در بخش‌های تدوین و طراحی صحنه نیز مورد تحسین قرار گرفت

میلیون تومان و ۵/۵۰۰ مخاطب، عنوان کم‌فروش‌ترین فیلم نوروز ۱۴۰۴ را به خود اختصاص داد. اثری که با هدف عبور از قالب‌های مرسوم سینمای بدنه شکل گرفته بود، اما در اجرا، به دلیل روایت پراکنده و لحن نامفهوم، نتوانست مخاطب عام یا خاص را جذب کند. ماجرای فیلم درباره جوانی به نام محمود (با بازی حامد بهداد) است که پس از کشف وصیت‌نامه‌ای از پدرش، همراه خواهرزاده‌اش پری (الناز حبیبی) راهی سفری پرماجر می‌شود تا گنجی پنهان را بیابد. این جست‌وجو در قالبی آمیخته از طنز، خیال و فلسفه پیش می‌رود و در بستر موقعیت‌های عجیب و گاه وهم‌انگیز شکل می‌گیرد.

فیلم از ترکیب بازیگران متنوع و مطرحی بهره می‌برد: حامد بهداد، الناز حبیبی، هادی کاظمی، رضا ناجی، پانته‌آ پناهی‌ها، سروش صحت، نادر فلاح، سهیل مستجابیان و سمانه پاکدل. با این حال، حضور پررنگ چهره‌هایی که نتوانست ضعف‌های ساختاری فیلم را پنهان کند، روایت غیرخطی، فضا سازی شلخته، نبود مسیر مشخص برای شخصیت‌ها و استفاده مفرط از نمادگرایی، باعث شد که منتقدان با فیلم همراه شوند، نه تماشاگران.

«عینک قرمز» به‌نظر می‌رسد در تلاش بوده اثری متفاوت و شبه‌فلسفی درباره مفهوم «دیدن» و «درک حقیقت» ارائه دهد، اما به دلیل روایت گنگ و شخصیت پردازی مبهم، در سطح باقی مانده و عملاً در جذب مخاطب ناکام مانده است. حتی حضور حامد بهداد در نقش اصلی هم نتوانست فیلم را از شکست گیشه نجات دهد.

فصلی ضعیف در اکران نوروزی

اکران نوروزی ۱۴۰۴ اگر چه در ظاهر با ثبت فروش بیش از ۲۱۳ میلیارد تومان رکورد تازه‌ای در گیشه به جا گذاشت، اما از منظر کیفی، تنوع ژانری، میزان رضایت عمومی و استقبال گسترده، یکی از فصل‌های ضعیف و نگران‌کننده سینمای ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. ترکیب فیلم‌ها

بامبولک و طراحی ضعیف شخصیت‌ها

فیلم «بامبولک» به کارگردانی آرش معبریان و نویسندگی امیر محمد عبدی، در ژانر فانتزی-کمدی ساخته شده و از جمله آثار خاص پسند اکران نوروزی ۱۴۰۴ بود که با وجود طراحی داستانی متفاوت و محور کودکانه، تنها با فروش ۶ میلیارد تومان و جذب ۹۳ هزار تماشاگر، نتوانست موفقیتی درخور توجه در گیشه به‌دست آورد.

داستان فیلم درباره شخصیت خیالی و فانتزی بامبولک، نوه آخر بامبالاخان است که مأموریتی جادویی دارد: کمک به دختر بچه‌ای به نام نعنّا تا آرزوی داشتن یک خواهر یا برادر را محقق کند. اما این مسیر به‌سادگی طی نمی‌شود، چرا که شخصیتی شیطنان‌آمیز به نام شیطونک با نیت‌های منفی وارد ماجرا می‌شود و داستان را به سمت موقعیت‌های طنزآمیز و فانتزی سوق می‌دهد.

امیر حسین رستمی، شهره سلطانی، مهرداد ضیایی، نیلوفر شهیدی و دانیال نوروزی از جمله بازیگران اصلی فیلم هستند. بازیگران تلاش کرده‌اند با لحن‌های اغراق‌شده و اجرای فیزیکی، فضای کودکانه و فانتزی فیلم را زنده نگه دارند، اما به گفته بسیاری از منتقدان، این تلاش‌ها به دلیل ضعف در فیلم‌نامه، ریتم کند روایت و طراحی ضعیف شخصیت‌ها به نتیجه مطلوب نرسیده است.

فیلم «بامبولک» اگر چه از نظر ایده، تلاشی برای ارائه کمدی خانوادگی و کودک‌محور به‌نظر می‌رسد، اما از نظر ساختار، به‌ویژه در سطح جلوه‌های ویژه، طراحی صحنه و انسجام روایی، ضعیف ظاهر شد و به همین دلیل عمدتاً با واکنش منفی از سوی منتقدان و بی‌تفاوتی از سوی مخاطبان روبه‌رو شد.

کم‌فروش‌ترین فیلم اکران نوروزی

در انتهای جدول، فیلم «عینک قرمز» به نویسندگی و کارگردانی حسین مهکام و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته، در ژانر کمدی-فانتزی قرار دارد که با رویکردی تجربی ساخته شده است و با فروش تنها ۴۶۱